

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

نویسندگان: الحاج داکتر امین الدین سعیدی و داکتر صلاح الدین سعیدی  
۰۵ اکتوبر ۲۰۱۳

## مکه مکرمه

۵

### صفا و مروه

صفا و مروه نام دو کوهی است که در مسعی قرار دارد و در موسم حج، حاجیان هفت بار فاصله میان آن دو را طی می‌کنند. با افزایشی که در مساحت مسجد الحرام صورت گرفته، مسعی و مسجد الحرام به هم متصل شده است. طول آن ۳۹۴/۵ و عرض آن ۲۰ متر است و ارتفاع طبقه اول ۱۲ و طبقه دوم ۹ متر می‌باشد. هم اکنون قسمتی از کوه صفا باقی مانده ولی بخش عمده‌ای از کوه مروه در سال ۱۳۷۴ شمسی با هدف گسترش محل، برداشته شده و تنها بخشی از کوه در محل دور زدن زیر پای سعی کنندگان باقی مانده است. مسعی مجموعاً ۱۸ در دارد.

### سعی بین صفا و مروه :

#### دلیل مشروعیت آن:

بخاری از ابن عباس روایت کرده است که ابراهیم علیه السلام همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل شیرخواره را به مکه آورد و آنان را کنار بیت‌الله و زیر سایه درختی، که بالای محل فعلی زمزم قرار داشت، به جا گذاشت و آن روز، در مکه‌کسی وجود نداشت و آبی هم نبود و کیسه‌ای که در آن خرما بود و مشک‌کی که آب داشت، در نزد آنان نهاد، سپس ابراهیم برگشت و رفت و مادر اسماعیل او را دنبال کرد و گفت: ای ابراهیم کجا می‌روی و ما را در این دره‌کسی و چیزی نیست، تنها می‌گذاری؟ -چند بار این حرف را تکرار کرد و ابراهیم به وی توجهی نمی‌کرد و سوی او نمی‌نگریست. هاجر گفت: آیا خداوند ترا بدین دستور داده است؟ ابراهیم گفت: آری. هاجر گفت: پس خداوند ما را فراموش و تباه و ضایع نمی‌کند. در روایت دیگری آمده است که هاجر گفت: ما را برای چه کسی ترک می‌کنی؟ ابراهیم گفت: برای خداوند. هاجر گفت: بدان راضی و خرسندم و برگشت ابراهیم هم راه خویش را پیش‌گرفت تا اینکه به "تثنیه -گردنه انتهای دره" که او را نمی‌دیدند رسید، آنگاه به طرف خانه کعبه ایستاد و دست به دعا برداشت و این کلمات را بر زبان آورد: « ربنا اِنِّی اَسْکَنْتُ مِنْ ذَرِیَّتِیْ بُوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمَحْرَمِ رَبَّنَا لِیَقِیْمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ اَفْنَدَةَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِیْ اِلَیْهِمْ، وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ » ( پروردگارا من فرزند وزن خود را در وادی بی‌کشت و زرع و بیابان سکونت دادم. نزد خانه محترم تو و کعبه معظم تو، آنان را نهادیم تا برپای دارند نماز را و بتو بردارند نیاز را، پروردگارا دل‌های مردمان

را به سوی آنان متمایل گردان و همه را به سوی این بقعه دوان گردان و روزی شان گردان، میوه‌هایی را که از همه جا بدانجا آرند، امید می‌دارم که شکر آن بگزارند).  
 هاجر در زیر درخت نشست و فرزندش را در کنار خود نهاد و مشک را به درخت آویزان کرد و از آن نوشید و طفلش را شیر می‌داد تا وقتی که آن مشک تمام شد و به دنبال آن، شیر در پستان وی نیز خشک‌گردید و گرسنگی بر فرزندش چیره شد، تا این که هاجر با نگرانی تمام، او را نگریست و اضطراب بچه را مشاهده‌کرد و تاب دیدن او را نداشت، برخاست و رفت تا این که بر بالای تپه صفا که نزدیکتر بود قرار گرفت. سپس از آنجا به سوی دره نگاه‌کرد، تا ببیند آیا کسی هست؟ آنجاکسی را ندید. لذا از صفا پائین آمد، تا این که به دره رسید، دامن خود را جمع‌کرد و چون انسان خسته‌ای به رفتن خود ادامه داد تا این که از وادی‌گذشت و به بالای مروه رسید و از آنجا نگاه‌کرد تا ببیند آیا کسی را می‌بیند؟ آنجا هم کسی را ندید. هفت دور این رفتن بین صفا و مروه را تکرار کرد. ابن عباس گفت:  
 پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: بدین سبب است، که مردم هم سعی بین آن دو تپه را انجام می‌دهند.

### حکم سعی بین صفا و مروه :

علماء درباره سعی بین صفا و مروه بدین شرح اختلاف دارند :

الف - ابن عمر و جابر و عایشه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم و مالک و شافعی و احمد، بنا به روایتی از او، می‌گویند: سعی بین صفا و مروه رکنی از ارکان حج است. به گونه‌ای که اگر حاجی آن را ترک کند، حج وی باطل و با قربانی یا چیزی دیگر، جبران نمی‌شود. و بر این مذهب خویش به دلایل زیر استدلال کرده‌اند:

#### ۱- بخاری به نقل از زهری‌گوید:

عروم‌گفت: از عایشه پرسیدم: نظرت درباره این آیت چیست: «**إن الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج أو اعتمر فلا جناح علیه أن يطوف بهما**»

(صفا و مروه از جمله شعایر خداوند می‌باشند، پس هرکس به حج یا عمره رفت بروی گناهی نیست که آنها را نیز طواف کند و سعی بین آنها را انجام دهد).

به خدای سوگند، گمان می‌کنم که اگر کسی آنها را هم طواف نکرد بروی گناهی نیست. عایشه‌گفت: ای پسرخواهرم، بد سخنی‌گفتی اگر تاویل آیت آنگونه بود، که تو می‌گویی، می‌بایستی خداوند بگوید: «**فلا جناح علیه ان لا يطوف بهما**». در صورتیکه چنین نیست. این آیت درباره انصار نازل شده است. آنان پیش از این که اسلام بیاورند، برای زیارت "منات" طاغوت به حج می‌آمدند و آن را می‌پرستیدند و آن بت در «مشلل» قدیر قرار داشت و هرکس که به زیارت این بت به «مشلل» می‌رفت، سعی بین صفا و مروه را انجام نمی‌داد و از آن پرهیز می‌کرد، مبدا منات خوش نیاید، چون بر صفا بت "اساف" و بر مروه بت "نائله"، وجود داشت. چون انصار اسلام آوردند در این باره از پیامبر صلی الله علیه و سلم سؤال کردند و گفتند: ای رسول خدا ما گناه می‌دانستیم، که صفا و مروه را طواف کنیم. که این آیت نازل شد:

«**إن الصفا والمروة من شعائر الله ...**» عایشه (رض) گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم سعی بین صفا و مروه را به صورت سنت همیشگی در آورده است، پس کسی حق ندارد طواف آنها را ترک کند.

#### ۲- مسلم از عایشه (رض) روایت کرده است که گفت:

پیامبر صلی الله علیه و سلم و مسلمانان سعی صفا و مروه را انجام داده‌اند و به صورت سنت همیشگی در آمده است و به جان خود سوگند می‌خورم هرکس حج کند و سعی صفا و مروه را به جای نیاورد، خداوند حج او را کامل و تمام نمی‌کند.

۳-حبیبه دخت ابی تجراه یکی از زنان بنی عبدالدارگفت: من همراه بعضی از زنان قریش، به خانه آل ابی حسین درآمدم و به پیامبر صلی الله علیه و سلم نگاه می‌کردیم که بین صفا و مروه سعی انجام می‌داد و ازار و زیرپوش ایشان به دورکمرش می‌چرخید، چون در سعی خود، تندگام برمی‌داشت، تا جایی که می‌توانم بگویم، که زانوان او را می‌دیدم و از او شنیدم که می‌گفت: "اسعوا، فإن الله كتب علیکم السعی [سعی بین صفا و مروه را انجام دهید که خداوند آن را بر شما فرض کرده است]" احمد و ابن ماجه و شافعی آن را روایت کرده‌اند .

۴-سعی خود یکی از عبادتها و نسك حج و عمره است، پس ركن حج و عمره می‌باشد مانند طواف بیت‌الله .  
ب - برای ابن عباس و انس و ابن الزبیر و ابن سیرین و به روایتی از احمد، سعی بین صفا و مروه، سنت می‌باشد، اگر کسی آن را ترك کرد چیزی بر وی واجب نمی‌شود و بدینگونه استدلال کرده‌اند:

۱-خداوند گفته است: " فلا جناح علیه أن يطوف بهما [که گفته: کسی که آن را انجام دهد گناهی بر وی نیست و این می‌رساند که واجب نیست بلکه مباح می‌باشد. و سنت بودن هم از "من شعائر الله"، استفاده می‌شود. و در مصحف ابی و ابن مسعود" فلا جناح علیه أن يطوف بهما " روایت شده است. این روایت اگرچه قرآن بودن آن را ثابت نمی‌کند، ولی از منزلت يك خبر پائین‌تر نیست و می‌تواند تفسیر آیت باشد .

۲- این سعی بین صفا و مروه عبادتی است که عدد آن مشخص است و به بیت‌الله تعلق ندارد، پس مانند رمی جمرات آنها ركن نیست.

ج- امام ابوحنیفه و سفیان ثوری و حسن بصری گفته‌اند: سعی بین صفا و مروه واجب است ولی ركن نیست، پس اگر کسی آن را ترك کرد حج یا عمره او باطل نمی‌گردد بلکه قربانی بر او واجب می‌شود و باید با ذبح‌گوسفند آن را جبران کند، و صاحب مغنی این رأی را ترجیح داده است که گفته:

۱- این رأی بهتر است، زیرا دلیل وجوب بر مطلق واجب بودن آن دلالت می‌کند، نه این که وجوب آن به گونه‌ای است که مقدمه واجب باشد و واجب بدون آن تحقق پیدا نکند .

۲- و سخن عایشه با سخن اصحاب دیگر معارض است.

۳-ابن المنذر گفته است که حدیث دخت ابی تجراه از مرویات عبدالله بن الموءمل است که درباره او سخنها گفته‌اند و از مفاد آن برمی‌آید که واجب است نه مقدمه واجب، چون مکتوب به معنی واجب است.

۴-چون در دوره جاهلی بر آن تپه‌ها بت‌هایی وجود داشت، مردم گمان می‌کردند که در دوره اسلام سعی بین آنها گناه است و آیت قرآن گفت: طواف آنها گناه نیست .

### شرایط صحت سعی بین صفا و مروه

۱- باید بعد از طواف خانه کعبه باشد ۲-باید هفت شوط و هفت دوره باشد ۳-باید از صفا شروع و به مروه پایان یابد ۴-

باید سعی در راه بین صفا و مروه که "مسعی" نام دارد صورت‌گیرد [۱۴]

چون پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین کرده است و گفته: "خذوا عنی مناسککم [مناسک حج را از من فراگیرید]". اگر کسی پیش از طواف خانه کعبه سعی بین صفا و مروه را انجام داد یا از مروه شروع و به صفا خاتمه دهد و یا سعی را در مسعی انجام ندهد، سعی بین صفا و مروه او باطل است.

### بالا رفتن بر صفا :

برای صحت سعی بین صفا و مروه، بالا رفتن از صفا و مروه شرط نیست ولیکن واجب است که تمام فاصله بین آن دو تپه را طی کند و مقداری از خاک آن دو تپه را در ایاب و ذهاب بسپرد و قدم‌هایش با خاک آنها تماس حاصل کند. اگر اندکی از

فاصله بین آنها را نسپرد، سعی اوصحیح نیست تا این که آنجا راکه ترك شده است مجدد نسپرد.

### موالات و پشت سرهم آمدن دفعات سعی بین صفا و مروه:

در سعی موالات شرط نیست (مالکیه فاصله زیاد را جایز نمی‌دانند) اگر در هنگام سعی بین صفا و مروه، مانعی پیش آید و بین دفعات سعی فاصله به وجود آید یا این که در هنگام سعی اقامه نماز گفته شد و فاصله افتاد، اشکالی ندارد که بعد از برطرف شدن مانع و گزاردن نماز، سعی خود را تکمیل نماید و از آنجا که قطع کرده بود، آن را از سرگیرد. از این عمر نقل است، که اومشغول سعی بین صفا و مروه بود، که نیاز به قضای حاجت برایش پیش آمد، لذا اندکی دور شد و آب برای تجدید وضو خواست و پس از قضای حاجت و تجدید وضو، از همانجا که قطع کرده بود، سعی خویش را از سر گرفت. به روایت سعید بن منصور. و همچنانکه بین دفعات سعی بین صفا و مروه موالات شرط نیست، موالات و پی در پی بودن بین طواف خانه کعبه و سعی بین صفا و مروه هم شرط نیست.

در معنی گفته است: امام احمد گفته است: اشکال ندارد که بعد از طواف خانه کعبه، سعی بین صفا و مروه را به تأخیر اندازد تا این که استراحتی کند یا این که تا شب آن را به تأخیر اندازد. عطاء و حسن بصری نظرشان چنین بود و در تأخیر آن، تا شب اشکالی نمی‌دیدند. و قاسم بن محمد و سعید بن جبیر، هم چنین می‌کردند، زیرا موالات در خود سعی واجب نیست، پس موالات بین طواف و سعی به طریق اولی واجب نیست. سعید بن منصور گوید: سوده زن عروه بن الزبیر، سعی بین صفا و مروه را انجام داد و طواف خویش را در سه روز انجام داد، زیرا او بسیار چاق و درشت اندام بود، نمی‌توانست پشت سر هم آن را انجام دهد.

### طهارت برای سعی :

بیشتر اهل علم برای سعی بین صفا و مروه، طهارت از جنب و حیض را شرط نمی‌دانند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم به عایشه گفت: تو که در حیض هستی و قاعده می‌باشی «فأقضى ما يقضى الحاج، غير أن لا تطوفى بالبیت حتى تغتسلی» (هرکاری را که حاجیان می‌کنند تو نیز بکن، غیر از طواف خانه کعبه، که آن را بعد از غسل انجام بده). به روایت مسلم.

عایشه و ام سلمه گفته‌اند: «اگر زنی طواف خانه کعبه را انجام داد و دو رکعت نماز بعد از طواف را هم گزارد، سپس قاعده شد، سعی بین صفا و مروه، را هم در حال قاعدگی انجام دهد اشکالی ندارد». به روایت سعید بن منصور اگرچه مستحب است که انسان در انجام تمام مناسک حج طاهر و پاک باشد و طهارت شرعاً مورد توجه است.

### سعی بین صفا و مروه، سواره یا پیاده :

می‌توان سعی بین صفا و مروه را، سواره یا پیاده انجام داد، ولی پیاده بهتر است. در حدیث ابن عباس آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم پیاده سعی را انجام می‌داد، چون مردم فراوان، او را احاطه کرده بودند و نزد او جمع شده بودند، سوار شدند، سوار شد تا مردم او را ببینند و از او سؤال کنند. ابوالطفیل به ابن عباس گفت: آیا طواف بین صفا و مروه سواره، سنت است؟ که قوم تو می‌پندارند که سنت می‌باشد.

### ابن عباس گفت:

هم راست گفته‌اند و هم دروغ. گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ ابن عباس گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم که مشغول سعی بود، آنقدر مردم پیرامون او جمع شدند و می‌گفتند: این محمد است، این محمد است، تا این که دختران بالغ

از خانه‌ها بیرون آمدند و پیامبر صلی الله علیه و سلم هم مردم را که در پیرامون او جمع شده بودند، آنان را به هم نمی‌زد و چون خیلی ازدحام زیاد شد، او از روی ناچاری سوار شدند.

به روایت مسلم و دیگران هروله رفتن در بستر وادی بین "دومیل" و بقیه را با راه رفتن عادی، بهتر است. سواری در سعی اگرچه جایز است ولی کراهت دارد. ترمذی گوید: گروهی از اهل علم و همچنین شافعی، مکروه می‌دانند که کسی طواف خانه کعبه و سعی بین صفا و مروه را سواره انجام دهد، مگر این که عذری در میان باشد. مالکیه گویند: اگر کسی بدون عذری سواره، سعی را انجام داد، باید از نو آن را انجام دهد، اگر وقت باقی باشد و اگر وقت باقی نباشد، باید به خون ریختن گوسفندی آن را جبران کند، زیرا برای کسی که توانایی راه رفتن داشته باشد، پیاده سعی بین صفا و مروه را انجام دادن واجب می‌باشد. ابوحنیفه هم چنین می‌گوید. و عمل سواری پیامبر صلی الله علیه و سلم را به علت کثرت ازدحام و جمعیت مردم، در حضور او توجیه نموده‌اند و آن را عذری برای او شمرده‌اند، که مقتضی سواره انجام دادن آن شد.

مستحب است که بین دو میل را در فاصله صفا و مروه، سعی نمود در فاصله بین دو میل مستحب است که هروله راه رفت و بقیه را با راه رفتن عادی. این مطلب قبلاً در حدیث دختر ابوتجراه، بیان گردید که در آن آمده بود که پیامبر صلی الله علیه و سلم آنقدر با هروله و شتاب می‌رفت که زیرپوش ایشان به دورکمرش می‌چرخید و زانوان پیامبر صلی الله علیه و سلم پیدا می‌شد. در حدیث ابن عباس آمده بود، که مثنی با هروله و گام عادی بهتر می‌باشد. یعنی در بستر وادی بین دومیل با هروله و بقیه آن را با رفتن عادی. اگر همه هفت دور بین صفا و مروه را با گامهای عادی برود، اشکال ندارد و جایز است. سعید بن جبیر گوید: عبدالله بن عمر را دیدم که در بین صفا و مروه به طور عادی راه می‌رود. سپس گفت: اگر با راه رفتن عادی، سعی بین صفا و مروه را انجام می‌دهم، برای اینست که پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیده‌ام که چنین راه می‌رفت، و اگر هروله می‌کنم برای اینست که پیامبر صلی الله علیه و سلم را چنین دیده‌ام. و من پیر شده‌ام. بروایت ابوداود و ترمذی.

این استحباب برای مردان است ولی برای زن هروله مستحب نیست، بلکه او با راه رفتن عادی سعی را انجام می‌دهد. امام شافعی از عایشه روایت کرده است که او زانی را دید که سعی را با هروله انجام می‌دهند، بدانان گفت: آیا ما - زنان پیامبر صلی الله علیه و سلم - برای شما اسوه و مقتدی نیستیم؟ بر شما واجب نیست مگر این که سعی را با راه رفتن عادی انجام دهید.

**مستحب است برکوه صفا و مروه رفت و روبه کعبه دعا کرد:**

مستحب است وقتی که حاجی بر صفا و مروه صعود می‌کند، روبه کعبه بایستد و درباره دین و دنیای خویش، هر چه می‌خواهد، دعا کند.

چنان مشهور است که پیامبر صلی الله علیه و سلم از در صفا، بیرون رفت. چون به صفا نزدیک شد، این آیت را خواند: «**إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ**» (من از صفا شروع می‌کنم که خداوند بدان شروع کرده است). از کوه صفا بالا رفت تا این که خانه کعبه به صورت واضح دیده می‌شد، آنگاه رو به قبله ایستاد، سه بار توحید و تکبیر گفت و خدا را حمد کرد و گفت: «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ**» نمود، سپس با گامهای عادی از آنجا به سوی مروه پائین آمد تا این که از مروه نیز بالا رفت و به خانه کعبه نگاه کرد و بر بالای کوه مروه، همان دعاهائی را خواند که برکوه صفا خوانده بود.

نافع گوید: از عبدالله بن عمر شنیدم که برکوه صفا دعا می‌کرد و می‌گفت:

« اللهم إنك قلت: (ادعوني أستجب لكم) وإنك لا تخلف الميعاد، وإني أسألك - كما هديتني للإسلام - أن لا تنزع مني حتى تتوفاني وأنا مسلم. »

(خداوندا تو گفته‌ای: مرا بخوانید، دعای شما را اجابت می‌کنم، و بدون شك تو خلاف وعده نمی‌کنی و من از تو مسألت دارم، همانگونه‌که مرا بدین اسلام و پذیرش آن هدایت کرده‌اید، تا زمانی‌که می‌میرم آن را از من نگیرید و من در حالی بمیرم که مسلمان باشم)

### دعای بین صفا و مروه :

مستحب است که در بین صفا و مروه دعا و ذکر نمود و قرآن خواند. و روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم در سعی خویش می‌فرمود: «رب اغفر وارحم واهدني السبيل الاقوم» (خداوندا مرا ببامرز و به من رحمکن و مرا به راه راست و استوار هدایت کن]. و روایت شده است که می‌گفت:

«رب اغفر وارحم، إنك أنت الاعز الاكرم» (با انجام طواف و سعی بین صفا و مروه اعمال عمره پایان می‌پذیرد). و کسی که احرام دارد، اگر به صورت «تمتع» احرام بسته باشد، با تراشیدن و یا کوتاه کردن موی خود، احرام را پایان می‌دهد و آزاد است، و اگر به صورت «مقارن» - و یا مفرد - احرام بسته باشد، همچنان به حال احرام می‌ماند تا روز عید که بعد از آن، از احرام آزاد می‌شود، در اینصورت همین سعی بین صفا و مروه که به هنگام طواف القدوم انجام داده است برایش کافی است و لازم نیست که بعد از طواف فرض، طواف الافاضه - دوباره سعی کند. ولی اگر متمتع باشد بعد از طواف الافاضه باید مجدداً سعی بین صفا و مروه را انجام دهد و تا روزیوم الترویبه = هشتم ذی الحجه، در مکه بماند. و روز هشتم احرام به حج می‌بندد و تمام مناسک حج را انجام می‌دهد

### کوه حرا و غار حرا :

کوه حرا به نام جبل النور، جبل القرآن و جبل الاسلام نیز مشهور است این کوه که یکی از مکانهای مقدس مکه و از آثار باقیمانده از عصر رسالت به شمار می‌رود، در شمال شرقی مکه، در مسیر سرکی واقع شده که به سمت عرفات می‌رود و در فاصله ۱/۵ کیلومتری سمت راست آن جاده قرار دارد در غار به سمت شمال است و فضای آن گنجایش تقریبی پنج نفر نشسته را دارد ارتفاع غار نیز به اندازه قد یک انسان است غار حرا محل عبادت رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده و آن حضرت روزهایی از ایام سال، به ویژه ماه مبارک رمضان را در آنجا به سر می‌برده است در همین غار بود که نخستین بار بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم وحی نازل گردید این غار از جمله بهترین و متبرک ترین نقاط مکه محسوب می‌شودخانه و محل ولادت رسول الله صلی الله علیه و سلم :

پیامبر صلی الله علیه و سلم در خانه‌ای، در شعب ابی طالب چشم به جهان گشود. چون آن حضرت از مکه به مدینه هجرت کرد، عقیل آن خانه را گرفت و سپس به محمد بن یوسف ثقفی فروخت، سپس خیزران مادر هارون، آن را مسجد کرد تا مردم در آن نماز بگذارند.

در سال ۱۰۰۹ ه. ق. سلطان محمد پسر سلطان مراد آن را از نو عمارت کرد و برای آن قبه و مناره ساخت و مؤذن و خادم و امام جماعت گمارد. آن جا اکنون کتابخانه عمومی شهر مکه است.

دار ارقم :

دار ارقم عبارت از همان خانه است که پیامبر صلی الله علیه وسلم و اولین مسلمانان، در آغاز اسلام، پنهانی در آنجا جمع می‌شدند و خدا را عبادت می‌کردند. دار ارقم نزدیک صفا و خارج مسجد الحرام بوده است. سپس در آنجا کتابخانه‌ای ساختند که در سال ۱۳۹۵ ه. ق. ویران شد. و در توسعه‌ای که در زمان سعود بن عبدالعزیز صورت گرفت، داخل مسجد حرام گردید.

### غار ثور :

کوه ثور در سه کیلومتری جنوب شهر مکه و در جنوب منطقه‌ای به نام «مسفله» قرار دارد که غار ثور بر روی آن واقع است. این غار به ثور بن عبد مناف منسوب بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هجرت به طرف مدینه، سه شبانه روز در آن پنهان شدند.

### شعب ابی طالب :

شعب ابی طالب، یا شعب علی، جایی است که مشرکان مکه پیامبر صلی الله علیه وسلم و بنی هاشم را حدود سه سال در آنجا محصور کردند و مردم را از دیدار و معامله با آنان منع نمودند. این دره به سوی کوه ابوقبیس سرازیر است و همان جایی است که کتابخانه مکه - هم اکنون - در آن جاست و در کنار مسجد الحرام واقع است.

### عرفات :

صحرائی است، در شرق مکه اندکی متمایل به جنوب در فاصله بیست و یک کیلومتری، بر سر راه طائف. گفته اند در آنجا آدم و حوا با هم آشنا شدند. در جهت شمالی این دشت کوهی است که آن را جبل الرحمه یا جبل عرفات نامند. صحرائی عرفات در این سال‌ها درختکاری شده و هر حاجی باید از ظهر روز نهم ذوالحجه تا غروب شرعی آن روز، در این صحرا به قصد قربت و قوف نماید.

### مشعر الحرام :

مشعر یا مزدلفه جایی است که حاجیان پس از عرفات بدان جا می‌روند و تا سر زدن آفتاب در آن می‌مانند. مشعر میان دو تنگنای عرفه از يك سو و محسّر از سوی دیگر واقع شده است.

### منا :

دره‌ای است به عرض تقریباً پانصد متر و طول حدود سه کیلومتر و نیم که حاجیان باید از طلوع خورشید روز دهم تا ظهر روز دوازدهم - جز ساعاتی که اجازه داده شده - آنجا را ترك نکنند و در آن مکان بمانند. آن جا را «مُنَى»، «مُنَى» و «مُنَى» هر سه خوانده‌اند و برای هر يك وجه تسمیه‌ای نیز ذکر کرده اند.

### جمرات :

جمع جمره، به معنای توده‌ای از سنگ است. جمره‌های سه گانه، در منا و نزدیک به مکه است. نوشته‌اند در اینجا بود که آدم شیطان را که در پی وی می‌رفت با افکندن سنگ ریزه از خود راند. و حاجیان با تأسی به آن حضرت و به عنوان يك واجب دینی، روزهای ۱۰ تا ۱۲ به طرف ستون‌های سنگی هر يك از جمره‌ها سنگ پرتاب می‌کنند.

### زدن جمره ها :

— روایت است که شخصی از ابن عمر (رضی الله عنهما) پرسید: چه وقت باید جُمره بزنیم؟ گفت: وقتی که امام تو جُمره زد! آن شخص سؤالش را دوباره تکرار نمود، ابن عمر (رضی الله عنه) گفت: انتظار می کشیدیم که آفتاب زوال نماید و چون آفتاب زوال می کرد، جُمره می زدیم. (رواء البخاری ۴۶ ۱۷)

### جُمره زدن از پایان وادی :

— روایت است که عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) از طرف پایان وادی جُمره می زد، کسی برایش گفت: مردم از طرف پشت وادی جُمره می زنند، گفت: قسم به خدائی که جز او خدائی نیست که سوره بقره در همین جا بر پیغمبر خدا (صلی الله علیه وسلم) نازل گردید. (رواء البخاری ۴۷ ۱۷)

### جُمره زدن به هفت سنگ:

— روایت است که ابن مسعود (رضی الله عنه) هنگام رمی جُمره عقبه، کعبه را به طرف چپ، و منی را به طرف راست خود قرارداد، به هفت ریگ جُمره زده و گفت: کسی که بر وی سوره بقره نازل گردیده است همین گونه جُمره زد. (رواء البخاری ۴۸ ۱۷)

در وقت جُمره زدن بعد از رمی دو جُمره، باید به همواری رفته و روی خود را بطرف قبله نمودی

— روایت است که ابن عمر (رضی الله عنهما) جُمره کوچک را به هفت ریگ رمی نموده و با زدن هر ریگ تکبیر می گفت، بعد از آن پیش رفته تا به همواری می رسید، در این جا روی به قبله، مدت طولانی دست هایش را بالا کرده و دعا می کرد.

بعد از آن جمره میانه را رمی می نمود، بعد از جُمره زدن طرف شمال را گرفته تا به همواری می رسید، در این جا روی به قبله مدت طولانی دست هایش را بالا کرده و دعا می کرد.

بعد از آن جمره عقبه را از قسمت پایانی وادی رمی می نمود و در آنجا توقف نمی کرد بلکه برگشته و می گفت:

پیغمبر خدا (صلی الله علیه وسلم) را دیدم که همینطور رمی نمودند. (رواء البخاری ۵۱ ۱۷)

ختم